

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۲

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲

صفحات: ۱۸۱ - ۲۰۴

مقابله با تروریسم از طریق مدیریت ریسک

نوروز کارگری*

استادیار گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

اگر تروریسم را به مثابه یک تهدید اجتماعی قلمداد کنیم که می‌تواند افراد جامعه را بر اساس شرایط زمانی و مکانی تحت تاثیر قرار دهد، بررسی مفاهیم خطر و خطرناکی در راستای پاسخ دهی و مقابله با آن معنا می‌یابد. اگر اقدامات تروریستی را به عنوان یک رفتار مجرمانه و یا لااقل زیان بار قلمداد کنیم و در پی سرکوب کردن آن از طریق سیستم کیفردهی کلاسیک باشیم، با لحاظ همان اهداف و کارکردهایی که برای مجازات قائل هستیم، می‌توان آنها را موضوع برخوردهای سرکوب گرانه کیفری قرار داد، ولی با توجه به نشانه‌های متعددی می‌توان رویکردهای جدید را در خصوص آنها موثرتر دانست. به صورت مشخص این رویکردهای جدید، مدیریت ریسک و اعمال کنترل بر موقعیت‌های خطرزا با استفاده از شیوه‌های قانونی را شامل می‌شود. بر اساس این رویکرد جدید، اقدامات تروریستی به مثابه یک ریسک اجتماعی قلمداد می‌شوند که بایستی موضوع مدیریت خطر قرار بگیرد. این اقدامهای غیرکیفری از چند جهت می‌تواند بر واکنش‌های کیفری ترجیح داشته باشد چرا که از یک سو چالش‌های امنیت‌گرایی موجود در قانون‌گذاری‌های ضد تروریستی را رفع می‌کند و از سوی دیگر می‌تواند موثرتر از اقدامات کیفری عمل نماید و کنترل بیشتری را بر اقدامات مورد بحث اعمال نماید.

واژگان کلیدی: تروریسم، مدیریت ریسک، پیشگیری.

دنیای امروز دنیایی است پر از وحشت و ترس که همواره دغدغه دولتها جهت از بین بردن آن ترسها و یا ایمن کردن جامعه در مقابل آن را به همراه داشته است. از جمله این ترسها، وقوع پدیده های خشونت بار است که در بسیاری از موارد می توانند با عنوان قانونی جرم تعریف شود. اگر اقدامات تروریستی را نمونه ای از این پدیده های خشونت بار بدانیم (خواه اینکه تعریف قانونی جرم را همراه با خود داشته باشد یا خیر) که هراس ناشی از آن جوامع را در بر گرفته و دولتها را در مواجهه با خواست های سیاسی گروههای مخالف خود با استفاده از همین هراس افکنی قرار می دهد،^۱ پاسخ دادن به آن می تواند در قالب راهکارهای مختلفی صورت بگیرد. شناخته شده ترین پاسخها در این زمینه پاسخهای کیفی و در کنار آن پاسخ های نظامی است که برای هر دوی آنها نمونه های شناخته شده بسیاری قابل ارائه است.^۲

فارغ از پاسخ های قهرآمیز و سرکوبگرانه نظامی و کیفی، یکی از پاسخهای قابل ارائه در مقابل این پدیده خشونت بار، می تواند در قالب پاسخ های مدیریتی نمود یابد. مطابق با این دیدگاه شهروندان همواره در مواجهه با ترس ناشی از موقعیت های تهدید آمیز هستند و سیاستگذاران در پی یافتن راهی جهت اجتناب از ظهور این تهدیدها و بروز زیان های ناشی از آن. (Beck, ۲۰۰۲: ۳۹-۵۵) مطابق با رویکرد مدیریتی به اقدامات تروریستی، برای برآوردن هدف کلی اجتناب از تهدیدها و هراس ناشی از آن باید مجموعه ای از شیوه ها برای کاهش زیان های احتمالی ناشی از تهدیدهای آتی از طریق مدیریت کردن گروهها، افراد و موقعیت های خاص که تحت عنوان موقعیت های خطرزا شناخته می شوند، ایجاد شود. (Dugan, Lafree and Piquero, ۲۰۰۵: ۱۰۳۱-۶۵. Lea, ۲۰۰۵. Mythen and Walklate, ۲۰۰۶: ۳۷۹-۹۸) از نظر جرمشناختی این ایده می تواند به عنوان بخشی از یک سیاست عمومی کلان شناخته شود که در طی دهه ۱۹۷۰ در دنیای غرب ایجاد شد. مطابق با این ایده نوین، شناسایی ریسک ها بویژه از این جهت اهمیت دارد که پدیده های انحرافی از جمله اقدامات مجرمانه بخشی حذف ناشدنی از جامعه هستند و از این رو به صورت ویژه شناسایی آنها در مراحل اولیه تصمیم به ارتکاب رفتار مجرمانه و قبل از گذر از اندیشه به عمل بسیار اهمیت دارد

^۱ این هراس افکنی را می توان یکی از اهداف اصلی و یا حتی اصلی ترین هدف از اقدامات تروریستی دانست.

رک: کارگری، مهر، ۱۳۹۷

^۲ دو جنگ بزرگ در افغانستان و عراق پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بهترین نمونه از پاسخ های نظامی به این پدیده هستند که اینک پاسخ های کیفی صورت گرفته در قالب تصویب قوانین و اجرای مجازات های بسیاری قابل طرح و بررسی هستند.

مقابله با تروریسم از طریق مدیریت ریسک ...

و نادیده گرفتن این ریسکها مشکلات متعددی را به وجود می آورد. (حیدری، میرخلیلی، ۱۳۹۷: ۳۰) این الگوی کلی برای پاسخ دهی به پدیده های مجرمانه با «منطق ریسک»^۱ شناسایی می شود (۲۲۰-۲۰۳: ۲۰۰۱: Shearing) و بر اتخاذ اقدامات کنترلی متنوع در زمینه های مجرمانه تاکید می کند. مطابق با این الگو باید احتمال منطقی و ریسک تخمینی گروههای خاص و یا اماکن خاص که پرخطرترین عامل برای جامعه شناخته می شوند، مورد بررسی قرار بگیرد. (Schichor, ۱۹۹۷: ۴۷۵) استفاده از مفهوم عدالت آماری همراه با مکانیسم های خاص آن در راستای همین امر و به منظور دسته بندی مجرمین بالقوه بر اساس میزان خطر آنها بر پایه ای تجربی و مدیریت کردن این ریسکها با استفاده از ابزارهای مدیریتی صورت می گیرد. با شناخت مفهوم خطر و خطرناکی در پدیده تروریسم، می توان اقدامات مدیریتی ناظر بر مقابله با آن را در سه شیوه مجزای اقدامات قانونی، اقدامات وضعی و اقدامات مدیریتی بازدارنده طراحی و اجرا کرد. هر سه این اقدامات ناظر بر مقابله با خطر پدیده تروریستی هستند ولی تنها در صورتی معنا می یابند که هدف مورد مقابله به شیوه ای منطقی و عادلانه شناسایی شده باشد.^۲

الف: اولویت اقدامات مدیریتی بر واکنش های کیفری

گرچه با پذیرش جنبه کیفری اقدامات تروریستی می توان نسبت آنها واکنش های کیفری را قابل اعمال دانست، با این حال آنچه در این میان لزوم مدیریت خطر را در برخورد با اقدامات مورد بحث توضیح می هد، تاکید بر ترجیح سیاست های مدیریتی و موثرتر بر شیوه های کیفری قدیمی تر است (۲۲۰-۲۴۳: ۱۹۹۴: Feeley, and Simon) که اغلب جنبه واکنشی داشته و احتمال ظهور و بروز پدیده مجرمانه در آنها بیشتر است. اقدامات حقوقی، نظامی و سیاسی صورت گرفته در مورد اقدامات تروریستی و ملاحظه میزان کارایی و اثربخشی آنها می تواند شاهدهی بر این ادعا باشد که چرا اقدامات مدیریتی می تواند به نحو موثرتری در کنترل اقدامات تروریستی عمل نماید.

بر مبنای رویکرد مدیریتی مورد بحث، سیاستها به نحو رو به افزایشی بر ارزیابی ریسک

^۱ - Logic of Risk

^۲ - برداشت مفهوم دیگران از تروریستها، برداشتی است که گرچه امروزه در بیشتر سیستم های حقوقی غالب است، با این حال به دلایل منطقی متعدد نمی تواند عادلانه قلمداد شد. با این حال آنگونه که گفته خواهد شد، اقدامات مدیریتی بیشتر بر کارکرد اقدامات تمرکز کرده و کمتر در خصوص عادلانه بودن آنها صحبت می کنند. کارکردگرایی خود ناظر بر دستاوردهای یک رفتار است فارغ از قضاوت ارزشی در مورد آن.

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهارم و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———

های ناشی از یک رفتار یا پدیده تاکید می کنند نه بر رفتار مجرمانه مشخص. (Sparks, ۲۰۰۰) چنین سیاست هایی به دنبال بازدارندگی، کشف و از بین بردن وضعیت هایی هستند که به عنوان خطر تعریف می شوند^۱ و امنیت اجتماع را با تهدید مواجه می کنند. این سیاستها رفتارها را پیش بینی و خطر احتمالی آنها را تحلیل و ارزیابی می کنند و افراد و گروهها را در ارتباط با خطر احتمالی آنها مورد بررسی قرار می دهند تا از این طریق به مدیریت ریسک موثری دست یابند. (Simon, ۱۹۸۸: ۷۷۱-۲) بر این اساس سیاست کیفری جدید باید بر پایه معیارهایی شکل بگیرد که اجازه کنترل کردن گروههای بزهکار و بزهکاران بالقوه را بدهد؛ بر خلاف سیستم کیفری قدیم که مبتنی بود بر سیاستهای شخص محور که بر بزهکاران شخصی تکیه داشت. برای نیل به این مقصود استفاده از داده های آماری افزایش روزافزونی داشته است. اقداماتی مانند؛ طراحی نیمرخ بزهکاری، بازداشتهای پیش گیرانه، نظارت های عمومی (Norris, and Armstrong, ۱۹۹۹: ۲۵)، تحلیل گروههای تروریستی، افزایش تعاملات بین المللی برای پایش فعالیتهای گروههای متهم به اقدامات تروریستی و ...

با این حال باید توجه داشت که چنین سیاست هایی بر پایه ملاحظات اقتدارگرایانه طراحی شده اند و نه بر اساس پایه های اخلاقی (Henry, and Milovanovic, ۱۹۹۶) چرا که در قالب یک نگاه کارکردگرایانه، بیشتر توجه آنها به پاسخ دهی موثر به صدمات اجتماعی با توسل به مراقبت های خاص، کنترل های موثر و سایر اقدامات مدیریتی می باشد. برنامه های موجود در سیاست گذاری جدید در پی مدیریت کردن جرم بوده و تلاش دارند تا با ایجاد موانعی که فرصت ارتکاب جرم را کاهش داده و از بروز زیان های احتمالی جلوگیری می کند، محدوده رفتارهای ممنوعه قانونی توسعه دهند (Feeley and Simon, ۱۹۹۴, Op cit) و همزمان از ارائه واکنش های کیفری با توسل به سازوکارهای کلاسیک حقوقی اجتناب نمایند. مطابق با این چارچوب، کنترل اجتماعی موثر مستلزم شناسایی افراد و گروههایی است که برای جامعه خطرناک قلمداد می شوند تا در ادامه آنها را تحت نظارت و مدیریت قرار داده و ناتوان از ارتکاب رفتار مجرمانه نمایند. (Hagan, ۱۹۹۵: ۲۹-۴۲. Maurutto, and Hannah-Moffat,)

۴۳۸-۴۵۴: ۲۰۰۶) گرچه امروزه در حوزه سیاست گذاری کیفری این برنامه ها اغلب برای برخورد با بزهکاران جنسی (Simon, ۱۹۸۸: ۷۷۱-۸۰۰)، پاسخ دهی به بزهکاران جوان

^۱ - تعریف خطر نیازمند شاخص های خاص خود بوده و چالش های خاص خود را دارد. به این معنا که بر اساس واقعیت های قانونی و اجتماعی موجود در هر جامعه مصداقی متفاوت به خود می گیرد. با این حال در یک نگاه کلی ریسک را با چهار ویژگی تعریف می کنند: عدم قطعیت، پیش بینی پذیری، فراوانی و سختی. (رک: پاکنهاد، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۵)

(Sampson, and Laub, ۱۹۹۳)، کنترل کردن بزهکاران مونث (Hannah-Moffat, ۱۹۹۹: ۷۱-۹۴) و مقررات مربوط به بزهکاران به عادت (۹۲-۴۷۰: Schichor, ۱۹۹۷) مورد استفاده قرار می‌گیرد، با این حال مطالعات انگشت شماری هستند که به سیاست‌های ضد تروریستی از طریق مطالعات خطر می‌پردازند. (Mythen and Walklate, ۲۰۰۶: ۳۷۹-۳۹۸)

اگر اقدامات تروریستی را مصداق رفتارهای مجرمانه و یا لاقط مصداق پدیده مجرمانه در نگاه جرم‌شناختی بدانیم، تفاوتی میان اقدامات تروریستی و سایر اقدامات مجرمانه بیشتر شناخته شده در قوانین کیفری وجود ندارد که بتواند عدم استفاده از برنامه‌های مدیریتی و توسل صرف به برخوردهای قهرآمیز را توجیه کند. حتی اگر اقدامات تروریستی به معنای شناخته شده داخل در مفهوم جرم قلمداد نشوند نیز می‌تواند به عنوان زمینه‌ای از خطر ارزیابی شود که بر اساس میزان خسارت احتمالی یا میزان احتمال خسارتی که بزه دیده یا قربانی احتمالی با آن مواجه است، اولویت بندی شده و بر همین اساس مورد برخورد قرار خواهد گرفت.

بر اساس همین شاخص‌ها می‌توان گفت که در دهه‌های اخیر سیاست‌گذاری عمومی بر اساس احساس ناامنی و ترس شکل گرفته است. (Ericson and Carriere, ۱۹۹۴, ۸۹-۱۰۹) بیشتر دولتها در پاسخ به ریسک‌هایی مانند زیان‌های زیست محیطی، موج جرم و ترور، سیاست‌هایی را جهت کاهش ریسک را اتخاذ کرده‌اند که هدف آنها نیل به امنیت از طریق تخمین و مدیریت ریسک و دسته بندی افراد، گروهها و موقعیت‌ها بر اساس ریسک و تهدید ناشی از آنهاست. (Ericson, and Haggerty, ۱۹۹۷) سیاست‌های مرتبط با عدالت کیفری نقش مرکزی در این زمینه داشته و تایید می‌کنند که دستگاه‌های اجرایی بی‌تردید نمی‌توانند ریسک‌ها را به طور کامل از بین ببرند بلکه تنها می‌توانند آن را در یک حیطه مشخص و محدود حفظ کنند. (Hudson, ۲۰۰۳: ۴۵) مطابق با این برداشت، اقدامات تروریستی اخیر در سراسر دنیا به عنوان موج جدید تروریسم بررسی می‌شود که آنکه در همه دوره‌های زمانی مربوط به این پدیده، این اقدامات نسل مختص به همان دوره را داشته‌اند که نیازمند برخوردهای خاص خود بوده است. در حال حاضر اقدامات تروریستی با ویژگی غیرقابل پیش بینی بودن و خطرات فراتر از مرزهای قابل کنترل شناخته می‌شوند. (Beck, ۲۰۰۲: ۴۱) تروریستها قادرند تا از مزایای دنیای جهانی شده مدرن برای پنهان کردن اقداماتشان استفاده کنند و بدون آنکه خود در معرض خطر برخوردهای قانونی قرار بگیرند، تنها برخی از وابستگان یا حتی سمپات‌های خود را در مقابل اقدامات قانونی قرار دهند. (Lea, ۲۰۰۵: ۶) زمانی که این واقعیت با ناامنی ایجاد شده توسط اقدامات عمومی و تلاش ناموفق دولتها برای مدیریت رفتارهای غیرقابل پیش بینی همراه شود، باعث این اندیشه در سیاست‌گذاران می‌شود که نمی‌

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———

توان راهکار قاطعی را برای مقابله با اقدامات تروریستی یافت. به صورت خلاصه این اندیشه بیانگر آن است که تروریسم قابل ریشه کن شدن نیست و از این رو باید مدیریت شود.

باید توجه داشت که اقدامات تروریستی بر پایه تراژدی خشونت (Innes, ۲۰۰۶: ۲۲۳) و با هدف تاثیرگذاری اجتماعی جهت نیل به اهداف سیاسی، میزان قابل توجهی ترس را ایجاد کرده و در جامعه می پراکند. (Clarke, ۲۰۰۶) این ترس عبارت است از احتمال قربانی شدن افراد بیگناه در یک زمان و مکان غیرقابل پیش بینی. عدم قطعیت موجود در خصوص رفتارهای آینده و نیز غیر قابل بینی بودن همراه با هزینه های غیر قابل اجتناب، می تواند به تثبیت این ترس در سطح کشور منجر شود. از آنجایی که نه افراد و نه مجریان قانون در جامعه نمی دانند اقدام تروریستی بعدی در چه جایی، با چه شدتی، تحت چه شرایطی و علیه چه اهدافی رخ خواهد داد، وحشت ناشی از این اقدامات بسیار زیاد می باشد. در پاسخ به همین چالش، توسعه سیاستهای امنیتی و بازرسی در خصوص اقدامات تروریستی، یا اقداماتی که باور منطقی وجود دارد که پیش زمینه یا مقدمه اقدامات تروریستی هستند، با این باور صورت گرفته است که تعیین دقیق تروریستها قبل از وقوع یک اقدام تروریستی بسیار دشوار است و از این رو یک راهکار باید طراحی شود که گروهها را بر اساس تهدیدی که در این زمینه برای جامعه دارند دسته بندی کند و بر اساس همین تخمین واکنش نشان دهد. بخشی از تلاشها در این راستا، آماده سازی مجموعه ای از ابزارهای تکنولوژیکی، اداری و قانونی ضد تروریستی است که با هدف کاهش ریسک و دور نگه داشتن گروههای تروریستی احتمالی از قربانیان بی گناه طراحی شده اند. (Lea, ۲۰۰۵) نمونه این اقدامات را می توان در روابط مالی و یا سیاسی و دیپلماتیک قبل از وقوع اقدامات تروریستی مشاهده کرد. این اقدامات راهکارهای تدافعی هستند که به دلیل ناتوانی از پیش بینی دقیق آینده، بیشتر کشورها از آنها در راستای مدیریت خطر استفاده می کنند (Berko and Erez, ۲۰۰۵: ۶۰۳-۶۲۳) و از طریق آن عمدتاً در پی شناسایی گروههای بزهکار احتمالی و اعمال برخی نظارتها و محدودیتها بر آنهاست و نه تعیین دقیق بزهکاران.

نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که کشورهای مختلف به صورت های متفاوت با خطر اقدامات تروریستی مواجه می شوند و از این رو ریسک مورد بحث به یک صورت در همه کشورها توزیع نشده است، با این حال با توجه به اینکه این خطر فارغ از میزان و شیوه ظهور آن همواره وجود دارد، اقدامات صورت گرفته در این راستا در کلیت خود می تواند دارای وجوه اشتراک متعددی در کشورهای مختلف باشد.

به منظور رعایت و اعمال اقدامات مدیریتی در راستای مقابله با اقدامات تروریستی سه راهکار مجزا و متفاوت را می توان در نظر گرفت که ذیل اقدامات پیشگیرانه قابل بحث خواهد شود. لازم به توضیح بیشتر نیست که بی تردید آنچه در این میان مد نظر قرار خواهد داشت

اقدامات غیرکیفری است و الا کیفرهای قانونی در نظر گرفته شده برای اقدامات تروریستی موضوع دیگر است که بحث مستقلی را می طلبد.

ب: گونه های مدیریت ریسک در مقابله با اقدامات تروریستی

پس از آنکه اولویت یا لاقفل نقش سیاست های مدیریتی در مقابله با اقدامات تروریستی را مورد پذیرش قرار دهیم، نوبت به آن می رسد که راهکارهای مدیریتی یا گونه های غیرکیفری مدیریت کردن را شناسایی کنیم. مدیریت کردن یک پدیده به عنوان راهکاری که در راستای توسل به اقدامات قهرآمیز با حربه کیفر نیست، به طور کلی مستلزم طی پنج مرحله است: مرحله اول برنامه ریزی مدیریت ریسک است که در سطح کلان مستلزم برنامه ریزی و تعیین متولی امر است. مرحله دوم شناسایی ریسک است که مستلزم توجه به واقعیت های اجتماعی-سیاسی و حقوقی موجود است. مرحله سوم تحلیل ریسک است که به معنای تعیین میزان احتمال وقوع یا میزان خسارت احتمالی است. مرحله چهارم پاسخگویی به ریسک است که در قالب یکی از شیوه های غیر کیفری (شامل اجتناب، کاهش، انتقال، تجزیه و پذیرش) صورت می گیرد. مرحله پنجم کنترل ریسک است که به معنای نظارت بر وضعیت ها یا موقعیت های پرخطر و حصول اطمینان از اجرای صحیح و اثربخشی برنامه های مدیریتی است. (پاکنهاد، همان: ۴۸-۴۰) این مراحل پنج گانه در سیاست های مدیریت خطر به طور کلی مورد استفاده قرار می گیرند و با طرح ایده ریسک بزهکاری، راهکارهای مذکور وارد عرصه جرمشناسی شده و در ذیل مراحل مدیریت پدیده مجرمانه بررسی می شوند.

این فرایند پنجگانه در سه حوزه مستقل قابل طراحی و اجرا است و این حوزه ها به گونه ای تعریف می شوند که بتوانند الزامات مدیریتی را پاسخ گو باشند. حوزه های مورد بحث در یک دسته بندی سه گانه مشتمل هستند بر حوزه های حقوقی، اجرایی و وضعی می گردد.

۱- مدیریت ریسک تروریسم با استفاده از اقدامات حقوقی

اگر به صورت منطقی هرگونه اقدامی در راستای برخورد با پدیده های مجرمانه یا ضد اجتماعی را تابع یک سیاست گذاری بدانیم که هم در حوزه قانون گذاری و هم در حوزه اجرایی صورت می گیرند، می توان گفت که قانونگذاری به عنوان واضح ترین نمود از اقدامات حقوقی، هسته مرکزی و اصلی این سیاست گذاری را شکل می دهد. به این معنا که برای هرگونه مقابله با پدیده های ضداجتماعی وضع یک قانون در خصوص آن لازم و ضروری است. گرچه در اغلب موارد برخورد های قانونی با اقدامات مجرمانه، واکنش های کیفری در قالب استفاده از شیوه ای قهرآمیز را به ذهن متبادر می کند، با این حال رسالت اولیه قوانین، در یک نگاه بیان محکومیت

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———
یا سرزنش عمومی از طریق یک اعلان رسمی در قالب قوانین کیفری است. صرف بیان همین
مذمومیت، خود به نوعی بیانگر رسالت اعلامی قوانین کیفری است که توقع و انتظار اجتناب از
ارتکاب یک رفتار مجرمانه توسط شهروندان را ایجاد می کند.

با این حال این رسالت اعلامی تنها ناظر بر قوانین مصوب به معنای خاص کلمه نیست بلکه
مراد از اقدامات حقوقی به عنوان ابزاری برای مدیریت خطر تروریسم، هر گونه تصمیم گیری یا
واکنش های رسمی اعلامی دولت به اقدامات تروریستی را شامل می شود که با بر هم زدن
معادله اقتصادی رفتار^۱، سعی در منصرف کردن مرتکبان از انجام اقدامات تروریستی را داشته یا
آنکه حداقل بر مبنای کارکرد اعلامی خود نسبت به هدف گیری اقدامات تروریستی به عنوان
رفتاری که باید موضوع تنبیه یا برخورد قرار بگیرد، اقدام نماید. (فلچر، ۱۳۹۴: ۱۵۶)

نخستین گام در این راه شناسایی و تعریف رفتارهایی است که با توجه به تعریف در نظر
گرفته شده و شاخص های تعریف شده می بایست به عنوان مصداق تروریسم در نظر گرفته
شوند. برای تعریف اقدامات تروریستی راهکارهای چندی قابل تصور است و هر کس بر اساس
دیدگاه خود نسبت به ارائه یک تعریف خاص از آن اقدام می نماید. گرچه از نظر عملی ارائه یک
تعریف واحد، جامع و مانع اقدامی چالش برانگیز است، با این حال برای شروع به هرگونه اقدام
حقوقی یا مدیریتی در ارتباط با اقدامات تروریستی چاره ای جز ارائه یک تعریف، به صورت
ماهوی یا مصداقی، و توسل به آن وجود ندارد. گرچه تلاش برای ارائه تعریف در این زمینه از
دیرباز وجود داشته و تعاریف بسیاری نیز ارائه شده است، با این حال همچنان دشواری های
موجود در این راه پابرجاست.

نخستین تلاش ها برای ارائه تعریف از تروریسم، به کنفرانس های بین المللی برای یک
پارچه سازی حقوق جزا^۲ بر می گردد. (Levitt, ۱۹۸۶) از آن زمان به بعد، حقوقدانان،
دانشگاهیان، قانون گذاران داخلی کشورها، سازمان های منطقه ای و نهادهای بین المللی نظیر
سازمان ملل متحد، تعاریف متعدد و متنوعی را از این واژه ارائه کرده اند. این تنوع و تعدد به
اندازه ای است که بر اساس تحقیقی که در سال ۱۹۸۸ انجام گردید، حدود ۱۰۹ تعریف مختلف
از تروریسم ارائه شده است (اردبیلی ۱۳۸۱: ۱۱۹) و با توجه به کثرت دیدگاهها و ظهور

^۱ - با این فرض که مرتکبان جرایم تروریستی افرادی منطقی هستند که بتوان با این ابزار با آنها مقابله کرد. گرچه
باید توجه داشت که لاقول در خصوص تروریستهای انتحاری این موضوع تا حد زیادی محل تردید قرار می گیرد، با
این حال تروریسم در کلیت خود تابع منطق خود است که از این جهت با اقدامات منطقی قانونی می توان با استفاده از
راهکارهای مشابه با آن مقابله کرد. (رک: ظهیری، ۱۳۸۵)

^۲ - International Conferences for Unification of Penal Law.

این کنفرانس ها بین سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ در پایتخت های کشورهای اروپایی برگزار گردیدند.

مقابله با تروریسم از طریق مدیریت ریسک ...

رویکردهای جدید، کمیت این تعاریف در حال افزایش است^۱، به علاوه که همزمان حوزه های آن نیز دچار تغییر و تحول می شوند. به این معنا که بر اساس تهدیدات قابل تصور از این اقدامات، حوزه های اقدامات تروریستی نیز در حال تغییر است.

این تلاش ها و اقدامات هم در سطح بین المللی و هم در سطح ملی قابل مشاهده است. در سطح بین المللی به طور کلی کنوانسیونهای متعددی نسبت به شناسایی مصادیق اقدامات تروریستی به صورت موردی و محکوم کردن آنها اقدام نموده اند. مهمترین این کنوانسیونها عبارتند از:

- ۱- کنوانسیون مقابله با جرایم و سایر اعمال ارتكابی در هوایما، توکیو ۱۹۶۳،
- ۲- کنوانسیون مقابله با تصورف غیر قانونی هوایما، لاهه ۱۹۷۰،
- ۳- کنوانسیون مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی هوایمایی کشوری، مونترال ۱۹۷۱،
- ۴- کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی از جمله مامورین دیپلماتیک، نیویورک (سازمان ملل متحد) ۱۹۷۳،
- ۵- کنوانسیون بین المللی مقابله با گروگانگیری، نیویورک (سازمان ملل متحد) ۱۹۷۹،
- ۶- کنوانسیون محافظت فیزیکی از مواد هسته ای، وین ۱۹۸۰،
- ۷- پروتکل مقابله با اقدامات غیر قانونی خشونت آمیز در فرودگاههایی که در خدمت هوایمایی کشوری بین المللی است (الحاقی به کنوانسیون مونترال ۱۹۷۱)، مونترال ۱۹۸۸،
- ۸- کنوانسیون مقابله با اقدامات غیر قانونی علیه ایمنی دریانوردی، رم ۱۹۸۸،
- ۹- پروتکل مقابله با اقدامات غیر قانونی علیه سکوهاي ثابت در فلات قاره (الحاقی به کنوانسیون مقابله با اقدامات غیر قانونی علیه ایمنی دریانوردی)، رم ۱۹۸۸،

^۱ - نباید از یک نکته غافل بود و آن اینکه ارائه یک تعریف از تروریسم یا اقدامات تروریستی با انتقاداتی نیز همراه بوده است. برخی برای نشان دادن دشواری موجود در راه ارائه تعریف از تروریسم، تلاش در جهت ارائه یک تعریف قانونی از آن را به جستجوی «جام مقدس» (Holly Grill) تشبیه کرده اند. (Levit, Opcit: ۹۷) برخی دیگر نظیر «ریچارد باکستر»، قاضی سابق «دیوان بین المللی دادگستری»، استفاده عملی از تعریف قانونی تروریسم را زیر سؤال برده اند، با این بیان که: «مایه تأسف است که یک مفهوم حقوقی تروریسم بر ما تحمیل گردیده است. این واژه غیر دقیق و مبهم بوده و از همه بیشتر هیچ گونه استفاده عملی حقوقی در بر ندارد.» (Boxter, ۱۹۷۴: ۳۸۰) قاضی «روزالین هیگنیز» نیز تحت تأثیر همین دیدگاهها معتقد است که تروریسم یک واژه بدون اهمیت حقوقی است و صرفاً روش مناسبی است برای اشاره به فعالیت های دولتی یا فردی که در سطح گسترده مردود شمرده شده است و در آنها یا روش های به کار رفته غیرقانونی است، یا آماج های حمایت شده، یا هر دو. (هیگنیز، ۱۳۸۴: ۳۲۳).

در مقابل این کثرت تعاریف از تروریسم برخی بر این باورند که «احتمال دستیابی به تعریفی واحد از تروریسم برابر است با صفر» (ناجی راد، ۱۳۸۷: ۳۳) و دلیل آن نیز ناشی از تعارض منافع سیاسی درگیر در این باره است.

- ◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———
- ۱۰- کنوانسیون علامت‌گذاری مواد منفجره پلاستیکی به منظور ردیابی آنها، مونترال ۱۹۹۱،
- ۱۱- کنوانسیون بین‌المللی مقابله با بمب‌گذاری تروریستی، نیویورک (سازمان ملل متحد) ۱۹۹۷،
- ۱۲- کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تامین مالی تروریسم، نیویورک (سازمان ملل متحد) ۱۹۹۹.
- ۱۳- کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تروریسم هسته‌ای، ۲۰۰۵.

نگاهی به تنوع موضوعات در کنوانسیونهای مرتبط با تروریسم بیانگر آن است که در عرصه بین‌المللی از شیوه‌ای مصداقی برای تعریف اقدامات تروریستی استفاده گردیده است. دلیل این کار نیز آن است که گردآوردن یک اجماع بین‌المللی برای ارائه یک تعریف ماهوی از تروریسم دشوار یا شاید غیر ممکن است.

این تنوع در حوزه قانونگذاری داخلی نیز به چشم می‌آید. به این معنا که علیرغم اینکه در حوزه داخلی در مقایسه با عرصه بین‌المللی اجماع بیشتری در تعریف تروریسم وجود دارد، با این حال ارائه تعریف از این اقدامات اغلب در چارچوب شیوه مصداقی و ارائه یک یا چند معیار صورت می‌گیرد به این معنا که به جای ارائه یک تعریف ماهوی، قانون‌گذار نسبت به ارائه یک سری از معیارها و بیان برخی از مصادیق، بیشتر علاقه نشان می‌دهد.

نکته‌ای که در خصوص قوانین ضدتروریستی باید مد نظر قرار داد این است که علاوه بر شیوه خاصی که در ارائه تعریف در این قوانین وجود دارد، با توجه به کارکردی که برای چنین قوانینی تعریف یا تصور می‌شود، هم از حیث منشا ظهور قانون و هم از حیث ساختار قانونی، تفاوت قابل ملاحظه‌ای با سایر قوانین دارند. با این توضیح که از آنجایی که تروریسم همزاد با هراس و هراس افکنی است، (اساساً یکی از اهداف آن نیز اشاعه همین ترس است) و بر همین اساس پاسخ‌های قانونی به اقدامات تروریستی اغلب رنگ احساسی و هیجانی به خود می‌گیرند. همین ویژگی عوام‌گرایانه قوانین ضد تروریستی موجب می‌شود که این قوانین اغلب پس از حوادث فاجعه‌بار اجتماعی و به صورت یکباره و ناگهانی ظهور کنند. مانند ظهور قوانین ضد تروریستی انگلستان (۲۰۰۱) و آمریکا (۲۰۰۱) که مشخصاً واکنشی بود به حوادث تروریستی سال ۲۰۰۱ در آمریکا وحشت‌رخ داده در این کشور. علاوه بر این ظهور ناگهانی که موجب می‌گردد فرصت لازم برای بسیاری از تحلیل‌ها و بررسی‌های منطقی در قوانین از قانون‌گذار گرفته شود، از نظر ساختاری نیز این قوانین بیش از آنکه فردگرایانه عمل کنند و در پی حمایت از حقوق متهمان باشند، بر مبنای دفاع از منافع عمومی طراحی می‌شوند و از این رو اغلب در حاشیه اصول کلی قانونی قرار داشته یا آنکه این اصول را نقض می‌کنند. نمونه این ادعا را می‌توان در قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ ایران دید. در انتهای قسمت اول از ماده ۱ این قانون، تشخیص تروریستی بودن یک رفتار بر عهده شورای عالی امنیت ملی دانسته شده است حال آنکه به صورت منطقی و در قالب اصول کلی، جرم بودن یک مصداق رفتار بر

مقابله با تروریسم از طریق مدیریت ریسک ...

اساس تعریف قانونی صورت گرفته در اختیار مقام قضایی بی طرف است و نه یک نهاد حاکمیتی که خود را مدعی یا زیان دیده یک رفتار می داند.^۱ در قانون پاتریوت (PATRIOT) آمریکا

۱- در ماده یک همین قانون، اقدامات تروریستی به شیوه ای مصداقی به صورت زیر تعریف شده است:
الف - ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اقدام خشونت آمیز از قبیل قتل، سوء قصد، اقدام خشونت آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید که دیه آن بیش از یک سوم دیه کامل باشد، توقیف غیرقانونی و گروگانگیری اشخاص و یا اقدام خشونت آمیز آگاهانه علیه مردم یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آنها به قصد تأثیر گذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان های بین المللی.

ب - ارتکاب اعمال زیر با مقاصد مذکور در بند الف:

- ۱ - خرابکاری در اموال و تأسیسات عمومی دولتی و غیردولتی
 - ۲ - ایراد خسارت شدید به محیط زیست از قبیل مسموم کردن آبها و آتش زدن جنگلها
 - ۳ - تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق مسموم، عناصر و مواد هسته ای، شیمیایی، میکروبی و زیست شناسی (بیولوژیک)
 - ۴ - تولید، تهیه، خرید و فروش و استفاده غیرقانونی و قاچاق مواد منفجره، اسلحه و مهمات
- پ - ارتکاب اعمال زیر صرف نظر از انگیزه مرتکب و نتیجه حاصله
- ۱ - اعمال خطرناک علیه ایمنی هواپیما یا هوانوردی
 - ۲ - تصرف هواپیمای در حال پرواز و اعمال کنترل غیرقانونی بر آن
 - ۳ - ارتکاب خشونت علیه مسافر یا مسافران و خدمه هواپیما یا اعمال خطرناک علیه اموال موجود در هواپیمای در

حال پرواز

- ۴ - تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت، غنی سازی و انفجار غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق عناصر و یا مواد هسته ای به میزان غیرقابل توجه برای اهداف درمانی، علمی و صلح آمیز
- ۵ - تولید، تملک، اکتساب، انتقال، سرقت، تحصیل متقلبانه، قاچاق، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت و استفاده یا تهدید به استفاده از سالحهای هسته ای، شیمیایی، میکروبی و زیستشناسی (بیولوژیک)
- ۶ - دزدی دریایی، تصرف غیرقانونی کشتی و یا اعمال کنترل غیرقانونی بر آن و یا به خطر انداختن ایمنی کشتیرانی از طریق ارائه آگاهانه اطلاعات نادرست یا تخریب و وارد کردن آسیب شدید به کشتی، محموله و خدمه یا مسافران آن

۷ - تصرف یا کنترل غیرقانونی سکوها یا تأسیسات مستقر در مناطق دریایی، ارتکاب اعمال خشونت بار علیه افراد حاضر در آنها و هرگونه اقدام برای تخریب یا صدمه به این سکوها یا تأسیسات به قصد ایجاد خطر برای ایمنی این مناطق

۸ - بمب گذاری در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی، شبکه حمل و نقل عمومی یا تأسیسات زیرساختی
ت - ارتکاب جرائمی که به موجب قوانین داخلی یا کنوانسیون های بین المللی جرم تروریستی شناخته شده؛ در صورت الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آنها.

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———

نیز می توان مواردی مشابه را یافت. از جمله اینکه: در کنار نهادهای قضایی، نهادهای اجرایی نیز اختیار بازداشت و بازجویی از افراد را دارند، وزارت خارجه اختیار تعریف و شناسایی هر فرد یا گروهی را به عنوان تروریست دارد، دولت مجاز به بازداشت افراد تبعه خارجی به اتهام اقدام تروریستی برای مدت نامعلوم است و موارد مشابه آن که اختیارات گسترده ای را به مقامات اجرایی و امنیتی می دهد. (رک: فیلیپ، ۱۳۸۲: ۹ و ۱۰)

این اوصاف و موارد مشابه آن اغلب ناشی از دو عامل هستند؛ نخست بار سیاسی حاکم بر واژه تروریسم و اقدامات تروریستی و دیگر هراس های عمومی ناشی شده از اقدامات تروریستی و ایجاد توقع واکنش سریع در جامعه که اغلب منجر به اتخاذ راهکاری می شود که بتواند سریعترین پاسخ را با حداقل تشریفات لازم به همراه داشته باشد. همین دو عامل اگر به تنهایی برای توجیه همه ایرادات وارد بر قوانین ضدتروریستی کافی نباشند، لاقبل بخش عمده این ایرادات را می توان ناشی از همین دو دانست.

از حیث اجرایی نیز قوانین ضد تروریستی با سهولت در تشریفات و جدیت در اجرای بیشتری صورت می گیرد. برداشت از این قوانین توسط ماموران اجرای قانون به گونه ای است که باید به شدت اجرا شوند. برای همین منظور است که بیشترین اجازه به مقامات اجرایی داده می شود و چنین القا می شود که ماموران اجرای قانون باید برداشتی سختگیرانه از موقعیت و جایگاه خود داشته باشند. نمونه این برخورد را می توان در قانون شلیک مرگبار^۲ دید که جلوگیری از اقدامات تروریستی مورد پذیرش قرار گرفته است. سختگیری سیاستهای از این دست به گونه ای است که اختیارات قانونی وضع شده به صراحت در مقابل با اصول حقوق بشر دانسته شده است.

Report of the Special Rapporteur on the promotion and protection of)
human rights and fundamental freedoms while countering terrorism,
(Martin Scheinin” (A/HRC/۴/۲۶, paras. ۷۴-۷۸

پس از آنکه شناسایی و تعریف تروریسم در قوانین کیفری صورت گیرد، نوبت به ارائه واکنش هایی می رسد که بر اساس وضعیت مرتکبان اقدامات تروریستی به گونه ای عمل نماید که هم بتواند خسونت نهفته در این اقدامات را بر اساس تاثیر مثبتی که بر ذهن افراد جامعه می گذارد پوشش دهد و هم بتواند از ارتکاب اقدامات بعدی توسط این افراد جلوگیری کند. اینجاست که بر اساس عقلانیت صوری، مجازات هایی وضع می شود که اغلب از طرف عموم سیاست مداران و مردم به عنوان رفتارهایی منصفانه قلمداد نمی شود و بلکه تنها به عنوان سیاست هایی عاقلانه مورد پذیرش قرار می گیرند. (پاکنهاد، همان منبع: ۱۳۴) قوانین ضد تروریستی که در

^۱- Providing Appropriate Tools Required to Intercept and Obstruct Terrorism

^۲ - Shoot to Kill Policy

مقابله با تروریسم از طریق مدیریت ریسک ...

بسیاری از موارد با انتقادات حقوقی شدید مواجه می شوند، از این دسته واکنش های رسمی به اقدامات تروریستی هستند. از جمله این قوانین، قانون پاتریوت آمریکاست. این قانون بسیار با عجله به تصویب رسید. به گونه ای که جان اشکرافت که هوادار اصلی آن بود فشارهای زیادی را به کنگره وارد کرد و استدلال کرد که اگر این قانون به تصویب نرسد کنگره مسوول جان کسانی است که در اقدامات تروریستی آینده از بین می روند. این لایحه حتی در دستور کار کمیته بحث و بررسی نیز قرار نگرفت و بدون بررسی در تاریخ ۲۴ اکتبر ۲۰۰۱ به تصویب رسید. (ایزک غنمی، ۱۳۹۶: ۱۰۳) از دیگر قوانین در این زمینه قانون جرم و امنیت ۲۰۰۱ انگلستان، قانون شماره ۸۳ سال ۲۰۰۱ در مجارستان، و قانون مبتنی بر اقدامات ویژه علیه تروریسم ۲۰۰۱ در ژاپن هستند که در برخی مواقع بیانگر مفاهیم و مضامینی هستند که این مفاهیم بخشی از ساختار برنامه های سیاسی محسوب می شوند و از نظر حقوقی ایرادات زیادی را نسبت به خود جلب می کنند. این قوانین برای دستیابی به به امنیت تغییراتی اساسی در حقوق جزای شکلی و ماهوی بوجود آورده اند. این تغییرات را می توان در ظهور حقوق جزای دشمن محور و فاصله گرفتن از مفاهیم سنتی و اصول حقوق جزای شهروند مدار مشاهده کرد. (آلبرشت، ۱۳۸۵: ۱۶۷) همین فاصله است که قوانین را غیرمنصفانه نشان می دهد با این حال به جهت کارکردگرایی آن مورد استفاده قرار می گیرد.^۱

انتقادات وارد بر این قوانین با منطق صوری نهفته در آن به گونه ای است که برخی معتقدند «قانون های ضد تروریسم برنامه ای برای امنیت انسان ها ندارند» (عالی پور ۱۳۸۷: ۳۵۱) و تنها ابزاری هستند برای ارائه یک پاسخ به رفتارهایی که جامعه وحشت زده انتظار دارد نسبت به آن پاسخی داده شود. واکنش های کیفی در این دسته برخوردها اغلب ناتوان کننده هستند تا بتوانند اقدامات تروریستی احتمالی در آینده را مدیریت کنند.

۲- مدیریت ریسک تروریسم از طریق وضع موانع

در سیاست گذاری های جنایی وضع این موانع را در قالب اقدامات پیشگیرانه وضعی مطرح و بررسی می کنند و هدف از آنها کاهش احتمال وقوع جرم از طریق برهم زدن معامله جرم است. از حیث شیوه های اعمال و انجام این نوع از پیشگیری، پنج شیوه اصلی را مطرح می کنند که هر کدام از آنها زیرشاخه های خاص خود را دارند. پنج گانه های مورد بحث عبارتند از: ۱-

^۱ - فارغ از انتقادات وارد بر این شیوه قانون گذاری، واقعیت موجود در قوانین ضد تروریستی شیوه متفاوت آن است. از این رو شاید نتوان به درستی این وصف را ناظر بر یک انتقاد دانست بلکه یک ویژگی قانون در این زمینه است.

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———

افزایش میزان تلاش لازم برای ارتکاب جرم؛ که ناظر است بر انجام هر کاری که سبب شود ارتکاب جرم مستلزم تلاش بیشتر شود، ۲-افزایش خطرات ارتکاب جرم؛ ناظر است بر ریسک های مبتنی بر حسابگری بزهکاری، ۳-کاهش منافع جرم، ۴-کاهش تحریکات؛ ناظر است بر هر آنچه که موجب عدم آغاز شکل گیری فرایند مجرمانه باشد، ۵-سلب توجیهات از مرتکب؛ ناظر است بر هر آنچه که در فرایند بزهکاری مانع از وارونه سازی ارزشهای جامعه گردیده و در اقتناع بزهکاری تاثیر بگذارد. (رک: پاکنهاد، همان منبع: ۲۵۴ به بعد.) این ایده بر مبنای عقلانیت جرم مطرح گردیده و بر آن است که حسابگری را در اقدامات تروریستی به نفع عدم ارتکاب جرم تغییر دهد. نقش این منطق در مقابله با اقدامات تروریستی به اندازه ای پر رنگ است که در صورت اثبات نقیض آن می توان انتظار حادثه ای به مراتب شدیدتر را داشت.

وضع موانع فیزیکی به عنوان یکی از راهکارهای پیش گیری وضعی، از جمله اقداماتی است که می تواند در راستای مدیریت کردن تروریسم مورد استفاده قرار گیرد. پیشگیری وضعی در یک نگاه کلی اقداماتی غیرکیفری را شامل می شود که به منظور بازدارندگی از ارتکاب جرم از طریق حذف موقعیت های مجرمانه صورت می گیرد. در مباحث جرمشناختی، این نوع از پیشگیری به شیوه های گوناگون انجام می شود و مباحث مربوط به آن تا حد زیادی مطرح و بحث شده است. برای ایجاد مانع بر سر راه بزهکاران مصمم به ارتکاب جرایم تروریستی باید تا حد امکان آماجها و سیبل های عملیات مجرمانه شناسایی شود. برای مثال گذاشتن نرده و حفاظ و دیوارهای بلند برای ساختمانهای مهم و دولتی که احتمال بیشتری می رود که مورد عملیات تروریستی قرار گیرند تا حدودی می تواند جلوی این اقدامات را بگیرد. بدین ترتیب فرصت ارتکاب جرم از مجرم سلب می شود و هزینه ارتکاب جرم برای وی بالا می رود اگر چه این مورد همراه با موارد دیگر پیشگیری وضعی تکمیل می گردد. (قبله ای خویی، فرهمندفر، فرهمندفر، ۱۳۸۸: ۷۳.)

حمایت از طریق وضع موانع فیزیکی یا حمایت فیزیکی به نحو قابل توجهی می تواند در پیشگیری از تروریسم هسته ای موثر باشد. آنگونه که کنوانسیون بین المللی سرکوب اعمال تروریستی هسته ای و کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته ای ۱۹۸۰ دولتها را به حفاظت از مواد و تجهیزات هسته ای دعوت می کند. این حفاظت در راستای پیشگیری از دسترسی به مواد هسته ای است که می تواند اقدامی وضعی در اقدامات تروریستی هسته ای قلمداد شود. (رک: فروغی، غنی، میرزایی، ۱۳۹۵: ۱۳-۸)

این شیوه مانع گذاری در راه اقدامات تروریستی به صورت سنتی مورد توجه قرار می گیرد. به این معنا که یکی از ساده ترین شیوه های پیشگیری وضعی ناظر است بر ایجاد همین موانع فیزیکی. با این حال نظر به سیالیت و گستردگی اقدامات تروریستی همواره نمی توان از اقدامات

مقابله با تروریسم از طریق مدیریت ریسک ...

پیشگیرانه وضعی توقع داشت که همان اثربخشی را داشته باشند که در سایر جرایم از آنها انتظار می‌رود.

دیگر اقدامات پیشگیرانه را با توجه به سیالیت جغرافیایی اقدامات تروریستی می‌توان در تکنولوژی‌های مدرن و روزآمد مشاهده کرد. سیستم گردآوری اطلاعات هویتی از جمله این اقدامات است که به گردآوری اطلاعات زیستی مربوط به افراد پرخطر پرداخته و نسبت به آنها موانعی را جهت ورود به کشور وضع می‌کند. از جمله این سیستمها می‌توان پایگاههای اطلاعاتی ای را نام برد که با استفاده از گردآوری داده‌ها از طریق DNA یا اثر انگشت نسبت به مدیریت کردن افراد پرخطر از طریق ممانعت از ورود به کشور یا اعمال کنترل‌های بیشتر در جامعه، اقدام می‌نمایند. یکی از مهمترین استفاده‌های این سیستم‌های مدرن در کنترل ورود افراد به یک کشور می‌باشد. می‌توان نمونه این کنترل‌ها را در نظارت بر افرادی دانست که در یک دوره زمانی در دوران حاکمیت داعش به سوریه یا عراق رفت و آمد داشته‌اند. افرادی که سوابق آنها گواه بر تایید این مطلب باشد می‌توانند از ورود به یک کشور محروم شوند یا آنکه ورود آنها با محدودیت‌های خاصی مواجه شود.

در زمینه مقابله با تامین مالی تروریسم ایجاد موانع به گونه‌ای واضحتر و موثرتر قابل مشاهده است. می‌توان گفت که ممنوعیت تامین مالی تروریسم خود نوعی پیشگیری وضعی از اقدامات تروریستی است زیرا که اقدامات تروریستی مخصوصاً در سطح بین‌المللی نیازمند نیروی انسانی و امکانات کافی است که تهیه آنها منوط به تامین مالی گروه تروریستی است. (عالی پور، ۱۳۸۵: ۳۸۱) علاوه بر اسناد و قوانینی که مستقلاً به موضوع تامین مالی تروریسم می‌پردازند، این موضوع در ضمیمه اکثر کنوانسیونهای بین‌المللی ضد تروریسم ذکر شده است. می‌توان انتظار داشت که در صورتی که این رویکرد در زمینه مبارزه با تامین مالی تروریسم به صورت کامل محقق گردد، بسیاری از گروههای تروریستی که هم‌اکنون با منابع مالی قابل توجهی تغذیه می‌شوند، تضعیف شده و توانایی خود را در انجام عملیات تروریستی از دست می‌دهند. (عبدالهی، ۱۳۸۸: ۱۱۲)

در تامین مالی تروریسم در ماده ۱ قانون مقابله با تامین مالی تروریسم در ایران چنین آمده است که «تهیه و جمع‌آوری عامداً و عالماً وجوه و اموال به هر طریق چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمکهای مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تامین اعتبار یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی که مرتکب یکی از اعمال زیر می‌شوند، تامین مالی تروریسم» است و اقداماتی که در راستای جلوگیری از این رفتار قابل

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———
انجام است می تواند شامل: ایجاد سامانه یکپارچه بانکی، محدودیت سقف حسابهای بانکی،
مسدود کردن حسابهای مشکوک و سایر اقدامات مشابه در حوزه بانکی و یا غیربانکی باشد.
(رک: صبوری پور، علی پور، ۱۳۹۷: ۱۲۵ تا ۱۴۶)

۳- مدیریت ریسک تروریسم با کنترل افراد یا مکان های پرخطر

کنترل افرادی که از سوی حاکمیت خطرناک قلمداد می شوند یکی از مکانیسم های
مدیریتی پیشگیری از جرم است که بر اساس الگوی کلی پیش بینی جرم^۱ استوار است و در آن
به جای آنکه زمینه ها یا مبانی ارتکاب جرم از بین رفته یا کاهش یابد، تلاش بر آن می گردد تا
با شاخص های معین بزهکاری، افرادی که مستعد ارتکاب جرم هستند کنترل شوند یا آنکه
مکان هایی که بر اساس تخمین منطقی می توانند محل ارتکاب جرم واقع شوند، تحت نظارت
بیشتری قرار بگیرند. در این سازوکار ایده آن است که حتی با وجود تمامی تلاش ها برای از بین
بردن عوامل ارتکاب جرم، باز هم نمی توان به موفقیت کامل آن اطمینان داشت و از این رو با
کنترل کردن افراد مستعد سعی در جبران نقایص آن می شود. کنترل کردن در این معنا می
تواند مصادیق متعددی داشته باشد که از تحت نظر گرفتن افراد تا بازداشت کردن آنها را شامل
می شود.

مراد از این شیوه در مدیریت ریسک تروریسم را می توان در کنترل، بازداشت یا حبس
کردن مظنونان تروریستی یا افرادی دانست که بر اساس شاخص های تعریف شده اغلب
سیاسی، به عنوان یک کانون یا منشا خطر تروریستی قلمداد می شوند. اقدامات از این دست می
تواند به شیوه های گوناگون به مرحله اجرا برسد. به عنوان نمونه مقررات قانونی انگلستان در
زمان اعطای اختیارات قانونی جهت بازداشت، مظنونان تروریستی را از سایر مجرمان مجزا
دانسته و برای نگه داشتن آنها زمان بیشتری را تجویز می کند. یکی از این موارد در قانون ضد
تروریسم ۲۰۰۱ مشاهده می شود که بر اساس آن می توان فرد خارجی مظنون به شرکت در
یک فعالیت تروریستی را بدون طرح اتهام برای مدت نامحدود در بازداشت نگهداری کرد.
(مهر، ۱۳۸۶: ۶۶) این اقدامات بویژه در زمان ظهور سلسله اقدامات تروریستی در قالب دستورات
نظامی مصداق پیدا می کند. این دستورات از بسیاری از جهات سیالیت بیشتری نسبت به

^۱ - پیش بینی جرم ایده ای که در سطوح مختلف در مقابله با بزهکاری قابلیت اجرا دارد. بسته به اینکه پیش بینی
بر اساس چه داده هایی صورت می گیرد و یا چه حجمی از سابقه را مورد بررسی قرار می دهد، می تواند با ضریب
دقت متفاوت عمل کند. به این معنا که می تواند به صورت کلی بزهکاری را پیش بینی کند یا آنکه به صورت حتی
بسیار دقیق وقوع بزهکاری را پیش بینی نماید.

مقابله با تروریسم از طریق مدیریت ریسک ...

مقررات قانونی دارند و می‌توانند با سرعت و انعطاف بیشتری اجرایی شوند. بر اساس این توصیف امروزه دستگیری، تعقیب و جداسازی مظنونان تروریستی از جمعیت کلی جامعه و نیز تفکیک بزهکاران تروریستی از جمعیت کلی زندان اقدامی است که بر اساس همین توجیه منطقی در مرکز اقدامات اجرایی قرار دارد. افزایش یا کاهش این جمعیت بستگی دارد به میزان خشونت رایج در جامعه یا میزان خشونت نهفته در سیاستهای دولت. در مواقع حساس امنیتی تعداد این افراد به مراتب افزایش خواهد یافت در مقایسه با دورانی که جامعه در یک امنیت و آرامش نسبی قرار دارد. افزایش این افراد از یک جهت در کاهش حساسیت‌های عمومی و آرام ساختن جامعه اهمیت دارد و از سوی دیگر به درستی می‌تواند کانون‌های خطر فردی و اجتماعی را کنترل کند.

شاید بتوان نمونه‌ای بارز و شناخته شده از این اقدامات را در زندان مخوف تروریستی گوانتانامو و ابوغریب مشاهده کرد. گوانتانامو بهانه‌ای بود برای گردآوردن افراد مظنون به اقدامات تروریستی با این توضیح که این افراد از کمترین حقوق خود محروم بودند؛ بدون آنکه حتی از تروریست بودن آنها یقین داشته باشیم.

بدون تردید بر اساس ادعای مطرح شده، تمامی زندانیان گوانتانامو به عنوان مظنونان به اقدامات تروریستی دستگیر شده‌اند که خطرناک‌ترین افراد بشر شناخته شده و حق زندگی در میان افراد عادی بشر را ندارند. حالت خطرناک این افراد است که باعث گردیده از بسیاری از حقوق انسانی منع و محروم گردند. (مهر، کارگری، ۱۳۹۷)

اقدامات کنترلی از این دست نه فقط افراد، که کانون‌های گروهی یا اجتماعی مختلف را نیز در بر می‌گیرد. در حوزه جرم‌شناسی وضعی اماکن بحرانی یکی از سبب‌هایی است که مد نظر جرم‌شناسان قرار می‌گیرد. به این معنا که بر اساس داده‌های آماری بیشتر جرایم موجود در اماکن یا محل‌های خاص صورت می‌گیرد و همین امر موجب می‌گردد که این اماکن را به عنوان کانون‌های جرم خیز معرفی کنند و بیشترین نظارت بر آنها صورت گیرد. (رک: مقیمی، ۱۳۹۲: ۸۲۳)^۱

فارغ از ابهامات موجود در تعریف تروریسم و سیالیت معنایی حاکم بر آن، بر اساس برداشت‌های سیاسی از تروریسم این کانون‌ها می‌توانند اماکن و تجمعات متفاوتی را شامل شوند. آنگونه که پس از حوادث تروریستی ۲۰۰۱ در آمریکا بسیاری از بنیادهای نیکوکاری مسلمانان در انگلستان تحت تعقیب قرار گرفتند. (مهر، ۱۳۸۶: ۶۶) این فرایند در خصوص کنترل‌های اعمال

^۱ - یکی از ایرادات وارد بر این نوع از کنترل در مباحث مربوط به پیشگیری از جرم، انتقال جرم است. به این معنا که در صورت حمایت از یک کانون، بزهکاری تغییر موضع داده و محل دیگری را به عنوان کانون برمی‌گزیند.

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———

شده بر مساجد و سایر محل های تجمع مسلمانان نیز قابل مشاهده بود. زمانی که ایده های خشونت بخش تروریستی تقسیم بندی های مختلف به خود بگیرد، این کانون ها نیز تغییر خواهند کرد. آنگونه که تجمعات ایدئولوژیکی می تواند الهام بخش ظهور تروریسم چپ گردد یا آنکه پاتوق های نژادپرستانه می تواند یک کانون خشونت را در اقدامات تروریستی ناسیونالیستی یا قومی شکل دهد. زمانی که این کانون ها به صورت آشکار فعال باشند و به صورت سیستمی تحت کنترل قرار بگیرند، می توان به گونه ای از مدیریت غیر کیفی در حوزه تروریسم ارجاع داد.

با این حال باید توجه داشت که استفاده از رویکردهای پیشگیرانه مبتنی بر تخمین در خصوص افراد و محل های خطرناک چندان ساده نیست. گرچه امروزه بویژه با ظهور سیستم های کامپیوتری، مشخص کردن مکان های خطرناک و مستعد ارتکاب جرم امری معمول است، با این حال احتیاط بیش از اندازه گروههای تروریستی از به جا گذاشتن یک الگوی واحد در اقدامات خود، کار پیش بینی اقدامات این گروهها را با دشواری مواجه می کند. این دشواری مخصوصاً در جاهایی که گروههای تروریستی به صورت سازمانی و با رعایت اصول محرمانگی عمل می کنند دشوارتر نیز خواهد بود. بویژه وقتی توجه کنیم که تصمیم گیری ها علیه اقدامات تروریستی اغلب بر مبنای هراس ناشی از آن صورت گرفته و از این رو نمی توان آن را به صورت کامل جدای از احساسات در نظر گرفت و ثانیاً فضای مجازی محل گسترده ای را برای ارتباط تروریست های بالقوه در اختیار آنها قرار می دهد و از این رو تعیین محل دقیق برای کنترل کردن دشوار خواهد بود.

نتیجه گیری

تروریسم پدیده وحشتناک و رعب آوری است که به صورت مشخص با همین وصف مورد توجه جامعه قرار گرفته است و البته هدف عمده آن نیز اثرگذاری بر سیاست های دولتی از طریق همین اشاعه ترس است. از همین رو است که از ناحیه افکار عمومی فشار زیادی بر دولتها وارد می شود تا اینکه اقداماتی را در خصوص مقابله با آن انجام دهند تا از این طریق احساس امنیت از دست رفته جامعه را احیا کنند. امنیت از بین رفته و احساس جریحه دار شده جامعه برخوردی سخت را در قالب ضمانت اجراهای کیفی شدید می طلبد تا جایی که در مواردی که اقدامات کیفی در این خصوص صورت می گیرد، این اقدامات در مرز اصول حقوق کیفی قرار می گیرند بدون آنکه واکنش های جدی نسبت به شیوه برخورد صورت بگیرد چرا که فرایند امنیت سازی در مقابل ظهور مفهوم خطر برخی از موضوعات را به عنوان تهدیداتی برای دیگران تعریف می کند که این حق را ایجاد می کند که به منظور دفاع از دیگران در

مقابل چنین تهدیداتی دولتها بتوانند به اقدامات شدید و خشن متوسل شوند. (Loader, ۲۰۰۲: ۵۳-۱۲۵) مطالعات امنیتی که مفهوم امنیت را بررسی می کنند، نشان می دهند که چگونه فرایند امنیتی سازی با مجموعه ای از روایت های عمومی همراه است که تهدید تحمیل شده بوسیله برخی از گروهها را برجسته می کند. (Walker, ۱۹۹۰: ۳-۲۷) مکانیسم های استفاده شده در این وضعیت ها، باعث می شود که واکنش ها به اقدامات پر خطر از استانداردهای سیاسی فاصله گرفته و به عنوان اقداماتی در شرایط اضطراری قلمداد گردد. مطابق با این الگو از سیاست گذاری، واکنش های افراطی، قواعد دموکراتیک معمول را تحت الشعاع قرارداده قواعد سیاست گذاری خاص آن ظهور خواهد کرد. (Huysmans, ۱۹۹۹)

با این حال عدم قطعیتی که اقدامات تروریستی را در بر گرفته است سیاستگذاران را به صورت جدی بر سر یک دو راهی قرار داده است که چگونه باید اقدامات واکنشی درست در این زمینه را انتخاب کنند. این اقدامات واکنشی می تواند در یک نگاه کلی اقدامات سیاسی و نظامی را نیز در کنار اقدامات کیفری شامل شود. با این حال اینها تنها ابزارهای واکنشی نیستند. اگر اقدامات تروریستی را معادل فجایع طبیعی بدانیم که علوم جدید درمانی برای آنها ندارد، چاره ای نیست جز اینکه سیاستگذاران در پی یافتن راهی باشند که بتوانند خطرات ناشی از آن را مدیریت کنند نه اینکه آن را کامل از بین ببرند. با این فرض می توان پذیرفت که اقدامات مدیریتی می توانند در بسیاری از موارد از اقدامات سیاسی، کیفری یا نظامی موثرتر و کاربردی تر باشند به علاوه که نسبت به موضوع، واقع گرایی بیشتری نیز دارند.

در یک نگاه مدیریت محور به موضوع تروریسم، این اقدامات به مثابه یک خطر اجتماعی قلمداد می شوند که باید در فرایند مدیریت خطر نسبت به آن کاری انجام داد. کارها یا اقدامات قابل تصور در این زمینه از بسیاری از جهات دارای اشتراکاتی با سایر ریسک های اجتماعی هستند که در فرایند مدیریت ریسک با آنها برخورد می شود. مفهوم شناسی خطر و استفاده از آن در رویه های سیاسی این تصور را تقویت می کند که خطر نهفته در اقدامات تروریستی دارای یک ساخت اجتماعی است. با پذیرش این موضوع می توان از اقدامات مدیریتی در حوزه حقوق کیفری برای مقابله با این پدیده ها در قالب اقدامات پیشگیرانه استفاده کرد. از بسیاری از جهات این اقدامات می توانند بر اقدامات سیاسی، نظامی و یا کیفری برتری داشته باشند. شاید جذاب ترین مزیت برای دولتها ناظر باشد بر فواید اقتصادی و صرفه جویی هایی که در این فرایند صورت می گیرد. گرچه اقدامات پیشگیرانه وضعی همواره ایرادات خاص خود را دارند، با این حال نمی توان منکر این واقعیت شد که این اقدامات همواره از حیث اقتصادی بسیار به صرفه تر از اقداماتی مانند جنگ افروزی در مقابله با اقدامات تروریستی است.

احترام و رعایت بیشتر الزامات حقوق بشری را می توان مزیت دیگری دانست که همواره در

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———
اقدامات نظامی و کیفری امنیت محور در مقابله با تروریسم قربانی می شود. آنگونه که گفته شد
اقدامات حقوقی ضد تروریستی به گونه ای افراط گرایانه عمل می کنند که فارغ از همه اصول
حقوقی می باشد.

می توان برتری دیگر اقدامات مدیریتی را در کارایی آنها دید. تا زمانی که مخالفت های
سیاسی وجود دارد، نمی توان به رفع کامل معضل تروریسم دل خوش بود بویژه که در کنار
انگیزه های سیاسی به تدریج انگیزه های مذهبی نیز با قدرت و شدت بیشتری ظهور و دنیا را
متاثر کرده اند. از این رو مدیریت کردن با هدف کنترل و پیشگیری از وقوع حوادث تروریستی
می تواند از حیث کارکردی در اولویت قرار داشته باشد.

منابع

- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۱). **مفهوم تروریسم، تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش)**، تهران: روزنامه رسمی، چاپ اول، تابستان.
- ایزک غنمی، سیما (۱۳۹۶). «سازگاری اقدامات ضد تروریستی با استانداردهای بنیادین حقوق بشر»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه شهید بهشتی، تیر ماه.
- آلبرشت، هانس یورگ (۱۳۸۵). «تروریسم، خطر و قانونگذاری»، ترجمه مقیمی، مهدی، فورچی بیگی، مجید، **فصلنامه تخصصی فقه و حقوق**، سال سوم، شماره یازدهم، زمستان.
- پاکنهاد، امیر (۱۳۸۸). **سیاست جنایی ریسک مدار**، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- توماس، فیلیپ، ای (۱۳۸۲). **واکنش‌های قانونی به تروریسم؛ نگرشی انتقادی**، ترجمه محمود سلیمی، گزارش راهبردی، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حیدری، مسعود، میرخلیلی، سید محمود (۱۳۹۷). «مبانی فقهی مدیریت خطر در مقابله با بزهکاری»، **مجله پژوهش‌های حقوقی**، دوره ۱۴، شماره ۱، بهار.
- رز، دیوید (۱۳۸۵). **گوانتانامو جنگ آمریکا علیه حقوق بشر**، ترجمه نجله خندق، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
- صبوری پور، مهدی، علی پور، شیما (۱۳۹۷). «پیشگیری از تروریسم از طریق مبارزه با تامین مالی»، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، دوره ۲۴، شماره ۸۴، زمستان.
- ظهیری، صمد (۱۳۸۵). «عقلانیت و تروریسم»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه تربیت مدرس، مهر ماه.
- عالی پور، حسن (۱۳۸۵). «پولشویی؛ تهدیدی علیه امنیت ملی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال نهم، شماره دوم، تابستان.
- عالی پور، حسن (۱۳۸۷). «توازن میان امنیت ملی و آزادی‌های فردی در پرتو مبارزه با جرایم تروریستی»، **رساله دکتری**، دانشگاه شهید بهشتی، زمستان.
- عبدالهی، محسن (۱۳۸۸). **تروریسم، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه**، تهران: نشر شهر دانش، چاپ اول.
- فروغی، فضل‌الله، غنی، کیوان، میرزایی، محمد (۱۳۹۵). «پیشگیری وضعی از تروریسم هسته ای با تأکید بر تدابیر نظارتی بین‌المللی»، **پژوهش حقوق کیفری**، سال چهارم، شماره چهاردهم، بهار.

- ◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———
- فلچر، جورج پی (۱۳۹۴). «عکس العمل به تروریسم: تلاش برای تعریف قانونی»، **در: تروریسم شناسی (مجموعه مقاله ها)**، انتشارات نگاه بینه، چاپ اول.
- قبله ای خویی، خلیل، فرهمندفر، حیدر، فرهمندفر، فریده (۱۳۸۸). «پیشگیری وضعی از جرایم تروریستی»، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی**، شماره چهل و هشتم، زمستان.
- کارگری، نوروز، مهرا، نسرين (۱۳۹۷). «روان شناسی اقدامات تروریستی: هراس و هراس افکنی»، **فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری**، شماره ۳۶، تابستان.
- مقیمی، مهدی (۱۳۹۲). «مؤلفه های مکانی پیشگیری وضعی از جرم»، **در: دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله های تازه های علوم جنایی، کتاب دوم)** زیر نظر علی حسین نجفی ابرنآبادی، نشر میزان، چاپ اول.
- مهرا، نسرين (۱۳۸۶). «مسلمانان در نظام عدالت کیفری انگلستان»، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، سال دوم، شماره چهارم، پاییز.
- ناجی راد، محمد علی (۱۳۸۷). **جهانی شدن تروریسم**، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، تابستان.
- هیگنیز، روزالین (۱۳۸۴). «حقوق بین‌الملل عام تروریسم»، ترجمه زهرا کسمتی، **تروریسم، تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق**، گردآوری و ویرایش علیرضا طیب، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- Beck, Ulrich (۲۰۰۲) 'The terrorist threat: World risk society revisited', *Theory, Culture and Society* ۱۹(۴), pp ۳۹-۵۵.
- Berko, Anat and Edna Erez (۲۰۰۵) 'Ordinary people' and "death works": Palestinian suicide bombers as victimizers and victims', *Violence and Victims*, ۲۰(۶), pp ۶۰۳-۶۲۳.
- Clarke, Lee (۲۰۰۶) *Worst cases: Terror and catastrophe in the popular imagination*, Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Dershowits, Alan (۲۰۰۲) *Why Terrorism Works?* New Haven, Yale University Press.
- Dugan, Laura, Gary Lafree and Alex R. Piquero (۲۰۰۵) 'Testing a rational choice model of airline hijackings', *Criminology* ۴۳(۴), pp: ۱۰۳۱-۶۵;
- Edwards, William and Christopher Hensley (۲۰۰۱) 'Contextualizing sex offenders' management legislation and policy: Evaluating the problems of latent consequences in community notification laws', *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, ۴۵(۱), pp ۸۳-۱۰۱

- Ericson, Richard V. (۱۹۹۵) *Crime and the media*. Aldershot: Dartmouth.
- Ericson, Richard V. and Kevin Carriere (۱۹۹۴) 'The fragmentation of criminology', in David Nelken (ed.) *The futures of criminology*, London: SAGE, pp. ۸۹-۱۰۹.
- Ericson, Richard V. and Kevin D. Haggerty (۱۹۹۷) *Policing the risk society*, Oxford: Oxford University Press.
- Feeley, Malcolm and Jonathan Simon (۱۹۹۴) 'Actuarial justice: The emerging new criminal law', in David Nelken (ed.) *The futures of criminology*. London: SAGE, pp. ۲۲-۲۴۳.
- Geoffrey Levitt (۱۹۸۶) *Is terrorism Worth Defining?* Ohio Northern University Law Review, No ۱۳.
- Hagan, John (۱۹۹۵) 'Rethinking crime theory and policy: The new sociology of crime and disrepute', in Hugh Barlow (ed.) *Crime and public policy: Putting theory to work*, Boulder, CO: Westview, pp. ۲۹-۴۲.
- Hannah-Moffat, Kelly (۱۹۹۹) 'Moral agent or actuarial subject: Risk and Canadian women's imprisonment', *Theoretical Criminology*, ۳(۱), pp ۷۱-۹۴.
- Henry, Stuart and Dragan Milovanovic (۱۹۹۶) *Constitutive criminology: Beyond postmodernism*. Los Angeles, CA: SAGE.
- Hudson, Barbara (۲۰۰۳) *Justice in the risk society: Challenging and re-affirming justice in late modernity*, London: SAGE.
- Huysmans, Jef (۱۹۹۹) 'Language and the mobilization of security expectations: The normative dilemma of speaking and writing security', paper presented at the ECPR Joint Sessions, Mannheim, ۲۶-۳۱ March.
- Innes, Martin (۲۰۰۶) 'Policing uncertainty: Countering terror through community intelligence and democratic policing', *Annals of the American Academy of Political and Social Science* ۶۰۵.(۱)
- Lea, John (۲۰۰۵) 'Terrorism, crime and the collapse of civil liberties', paper presented at the Criminology Society, Middlesex University, April. <http://www.bunker۸.pwp.blueyonder.co.uk/misc/terror.htm>
- Levitt, Geoffrey (۱۹۸۶) *Is terrorism Worth Defining?* Ohio Northern University Law Review, No ۱۳.
- Loader, Ian (۲۰۰۲) 'Policing, securitization and democratization in Europe', *Criminal Justice* ۲(۲), pp ۱۲۵-۵۳

- فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸
- Maurutto, Paul and Kelly Hannah-Moffat (۲۰۰۶) 'Assembling risk and the restructuring of penal control', *British Journal of Criminology*, ۴۶(۳), pp ۴۳۸-۴۵۴
 - McAlinden, Anne-Marie (۲۰۰۶) 'Managing risk: From regulation to the reintegration of sexual offenders', *Criminology and Criminal Justice*, ۶(۲), pp ۱۹۷-۲۱۸
 - Mythen, Gabe and Sandra Walklate (۲۰۰۶) 'Criminology and terrorism. Which thesis? Risk society or governmentality?', *British Journal of Criminology*, ۴۶(۳), pp ۳۷۹-۳۹۸.
 - Norris, Clive and Gary Armstrong (۱۹۹۹) *The maximum surveillance society: The rise of CCTV*. New York: Oxford University Press. p ۲۵
 - Report of the Special Rapporteur on the promotion and protection of human rights and fundamental freedoms while countering terrorism, Martin Scheinin" (A/HRC/۴/۲۶, paras. ۷۴-۷۸)
 - Boxter, Richard. R (۱۹۷۴) *A Skeptical Look at The Concept of Terrorism*, *Akron Law Review*.
 - Sampson, Robert and John Laub (۱۹۹۳) *Crime in the making: Pathways and turning points through life*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
 - Schichor, David (۱۹۹۷) 'Three strikes as a public policy: The convergence of the new penology and the McDonaldization of punishment', *Crime and Delinquency*, ۴۳(۴), pp ۴۷۰-۹۲.
 - Shearing, Clifford (۲۰۰۱) 'Punishment and the changing face of the governance', *Punishment and Society* ۳(۲), pp ۲۰۳-۲۲۰.
 - Simon, Jonathan (۱۹۸۸) 'The ideological effects of actuarial practices', *Law and Society Review* ۲۲(۴), pp ۷۷۱-۸۰۰.
 - Sparks, Richard (۲۰۰۰) 'Perspectives on risk and penal politics', in Tim Hope and Richard Sparks (eds) *Crime, risk and insecurity*, London: Routledge, pp. ۱۲۹-۱۴۵.
 - Walker, Robert (۱۹۹۰) 'Security, sovereignty.